

## خلافت عمر بن خطاب - سال 13 هجری قمری

ابوحفص، عمر بن خطاب بن نفیل عدوی، که نام مادرش حنتمه بنت هاشم بن مغیره مخزومی بود...



### خلافت عمر بن خطاب - سال 13 هجری قمری

ابوحفص، عمر بن خطاب بن نفیل عدوی، که نام مادرش حنتمه بنت هاشم بن مغیره مخزومی بود، در حدود سال 13 عام الفیل، در مکه معظمه به دنیا آمد و پس از ظهور اسلام توسط حضرت محمد(ص)، بسان سایر اهالی مکه با این پدیده جدید مخالفت و دشمنی می نمود و در این راه سخت گیر و متعصب بود و حتی به خاطر مسلمان شدن خواهرش فاطمه بنت خطاب و همسرش سعید بن زید، با آنان مشاجره و دعوا نمود و چنان ضربتی بر سر خواهرش وارد ساخت که سرش را شکسته و خون را بر سر و صورت او جاری ساخت.

ولیکن مدتی پیش از هجرت پیامبر(ص) به مدینه منوره، او نیز مسلمان شد و به مدینه مهاجرت کرد.

پس از رحلت پیامبر(ص) وی از افرادی بود که بدن مطهر پیامبر(ص) را در خانه اش رها و برای تعیین خلیفه وقت، به سوی سقیفه بنی ساعده شتافت. عمر از عناصر اصلی بیعت با ابوبکر بود و در این راه، بسیار سماجت کرد و سرانجام با اجبار و اکراه، از عموم مردم برای وی بیعت گرفت و در این راه جنایت های متعددی مرتکب گردید، که پیامبر اکرم(ص) در حدیثی آن را پیش گویی کرده بود.

در دوران خلافت ابوبکر، به ظاهر او خلیفه مسلمین، ولی در باطن، همه کاره حکومت، عمر بن خطاب بود. در تاریخ یعقوبی آمده است: و کان الغالب علی أبي بكر، عمر بن الخطاب.

ابوبکر بن ابی قحافه هنگامی که به مرگ خویش اطمینان پیدا کرد، عثمان بن عفان را طلبید و به وی دستور داد که جانشینی عمر بن خطاب را با این عبارت بنویسد: بسم الله الرحمن الرحيم، هذا ما عهد ابوبکر خلیفه رسول الله الي المؤمنین و المسلمین: سلام علیکم. فآتی احمد الیکم الله، اما بعد فآتی قد استعملت علیکم عمر بن الخطاب، فاسمعوا و اطیعوا، و آتی ما أوتکم نصحاً. و السّلام.

گویند ابوبکر پیش از انتصاب عمر بن خطاب، با برخی از صحابه معروف، هم چون طلحه بن عبیدالله، عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف در این باره مشورت کرد.

ولی به نظر می رسد که میان او و عمر بن خطاب از سابق، این تعهد دو جانبه وجود داشته و بر اساس آن، عمل کردند.

به هر روی، پس از وفات ابوبکر و غسل و کفن او، عمر بن خطاب بر وی نماز گزارد و مابین نماز مغرب و عشا او را در جوار قبر پیامبر(ص) دفن نمودند. در روز بعد، عمر بن خطاب به مسجد رفت و در حضور مردم، بر فراز منبر رسول خدا(ص) قرار گرفت و یک پله پایین از جایی که ابوبکر می نشست، نشست و مرگ ابوبکر را تسلیت گفت. آن گاه به حاضرین مجلس گفت: خداوند تعالی مرا به شما و شما را به من مبتلا (و آزمایش) گردانید و مرا پس از دو ستم (ابوبکر) در میان شما باقی گذاشت. سپس صحبت های دیگری نیز برای مردم به عمل آورد و از مردم بیعت گرفت.

گرچه انتصاب وی به خلافت و اخذ بیعت از مردم، خلاف وصیت پیامبر(ص) و روش معمول و پذیرفته مسلمین در انتخاب آزاد بود، با این حال، مسلمانان مجبور به بیعت با او بودند و الا برای خویش امنیت و آرامشی پیش بینی نمی کردند.

نویسنده کتاب "عمر بن الخطاب" در این باره گفت: و بایع المسلمون عمر بالخلافة بین راض و متکره، و مطمئن و متخوف و جمیعهم یظنون مایکون من عمر فی یوم الجدید.

عمر بن خطاب، پس از استقرار در مقام خلافت، در نخستین اقدام عملی خود، خالد بن ولید را از فرماندهی سپاه مسلمانان در شام، عزل و به جای وی ابوعبیده جراح را منصوب کرد.

هم چنین وی در تقسیم بیت المال در میان مسلمانان، روش پیامبر(ص) و ابوبکر بن ابی قحافه را که بر اساس مساوات بود، تغییر داد و به روش خاصی، عده ای را بر عده دیگر ترجیح داد و سهم بیشتری برای آنان تعیین نمود.

وی پس از ده سال و نیم حکومت، سرانجام در ذی حجه سال 23 قمری به دست فیروز ابولؤلؤ ایرانی کشته شد.

### تشکیل جهاد سازندگی به فرمان امام خمینی در سال 1358 هجری شمسی

به فرمان امام خمینی(ره) جهاد سازندگی در سال 1358 هجری شمسیس تشکیل شد. این نهاد به مشابیه حرکتی جوشیده ازبطن انقلاب اسلامی و برخاسته از تفکر و ایدئولوژی اسلامی بود. در پی صدور این فرمان از سوی حضرت امام(ره) جهادگران مخلص و پرتلاش تمام توان و قابلیت های خود را در مسیر این هدف عظیم قرار دادند. بدین ترتیب حرکتی نوین و سازنده در جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاها و مناطق عشایری ایجاد شد. حضرت امام خمینی در بخشی از پیامشان به مناسبت تأسیس جهادسازندگی فرمودند: "ان شاء الله خداوند به همه ملت و به همه کسانی که در این راه تشریک مساعی می کنند و این وظیفه اخلاقی - شرعی را ادا می کنند توفیق عنایت کند. همه موفق باشند که در این جهاد شرکت کنند و این خرابه ها را بسازند و برادران خودشان را کمک کنند که شاید هیچ عبادتی بالاتر از این عبادت نباشد..."

### تشکیل کنفرانس پوتسدام در سال 1945 میلادی

سران کشورهای انگلیس، آمریکا و شوروی سابق کنفرانس پوتسدام را در شهری به همین نام در آلمان در سال 1945 میلادی تشکیل دادند. در این کنفرانس وزیران خارجه این کشورها معاهده پوتسدام را منعقد کردند که در آن اختیاراتی به شورای نظارت متفقین و فرماندهی نظامی سه کشور شرکت کرد در کنفرانس وهمچنین فرانسه واگذار شد. بر طبق این اختیارات، هر یک از این کشورها موظف به اداره امور مناطق تحت اشغال خود در آلمان بودند؛ هم چنین لغو قدرت سیاسی و نظامی آلمان؛ کنترل نظارت بر اقتصاد و تولید آلمان از دیگر موارد این موافقت نام بود. سرانجام اختلافات میان شوروی سابق و دول غربی مانع از اجرای کامل موافقت نامه پوتسدام گردید.

حزب بعث عراق به رهبری احمد حسن البکر قدرت را در سال 1968 میلادی در این کشور بدست گرفت و عبدالرحمن عارف رئیس جمهور عراق از کار برکنار شد. در پی روی کار آمدن حزب بعث، تصفیه های خونین مخالفان آغاز شد و کردهای مخالف این حزب، مورد تهاجم وحشیانه عمّال رژیم بعث واقع شدند. این حزب که در ظاهر مخالف سیاستهای استعماری آمریکا و رژیم اشغالگر قدس بود در جنگ عربها و رژیم صهیونیستی ماهیت واقعی خود را آشکارا کرد حزب بعث که قدرت حاکمه مطلق در عراق بشمار می رفت پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با تجاوز به نقاط مرزی ایران، جنگ گسترده 8 ساله را به جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرد و این خود دلیل بارز دیگری برای وابستگی و سر سپردگی حزب بعث عراق به آمریکا بود.

### روز جهانی بیابان زدایی

«... پیشروی و توسعه بیابانها به فروسائی\* زمین در نواحی خشک، نیمه خشک و مناطق نیمه مرطوب اطلاق شده که معلول عوامل بسیاری مشتمل بر تغییرات آب و هوا و فعالیتهای انسانی می باشد. بیابان زدائی فعالیتهای را در برمی گیرد که به عنوان بخشی از برنامه توسعه اراضی در نواحی خشک، نیمه خشک و مناطق نیمه مرطوب در جهت توسعه پایدار صورت می پذیرد

ماده 1- دبیرخانه کنوانسیون بیابان زدائی سازمان ملل: UNCCD

اطلاعات جامع در باره فرآیند پیشروی بیابانها

مساله فروسائی زمین

پیشروی بیابانها، فروسانی زمین در نواحی خشک، نیمه خشک و مناطق نیمه مرطوب را در برمی گیرد و عوامل دخیل در پیدایش آن در وهله اول فعالیتهای انسانی و تغییرات آب و هوا می باشد. شایان ذکر است که پیشروی بیابانها به مفهوم توسعه بیابانهای از پیش موجود نیست. این فرآیند در حقیقت به این دلیل رخ می دهد که اکوسیستمهای نواحی خشک که بیش از یک سوم کره زمین را در بر می گیرند شدیداً در معرض استفاده بیش از حد و عدم بهره برداری صحیح از زمین قرار دارند. فقر، عدم ثبات سیاسی، جنگل زدایی و تخریب جنگلها، چرای بیش از حد دامها و روشهای نامناسب و نادرست آبیاری همگی می تواند به کاهش میزان حاصلخیزی زمین بیانجامد. پیشروی و توسعه بیابانها زندگی بیش از 250 میلیون نفر را در سراسر جهان مستقیماً تحت تاثیر قرار داده و در عین حال زندگی قریب یک میلیون نفر را در بیش از صد کشور به مخاطره می اندازد، مردمی که اکثراً در فقیرترین، محرومترین و ضعیفترین کشورها به لحاظ مسائل سیاسی به سر می برند.

راه حل بدیع و مبتکرانه

بیابانزدایی به منظور تضمین حاصلخیزی دراز مدت در مناطق مسکونی نواحی مربوطه، ضروری است. متأسفانه تلاشهایی که در همین راستا در گذشته صورت پذیرفته همگی به شکست انجامیده و معضل فروسانی زمین در سراسر نقاط دنیا رو به وخامت گذارده است. به دنبال نیاز به یافتن راهکاری تازه و نو، دولتهای 170 کشور جهان، در ماه مارس سال 2002 میلادی به کنوانسیون بیابانزدایی سازمان ملل متحد پیوسته اند.

هدف از انعقاد این کنوانسیون ارتقاء اقدامات موثر از طریق برنامه های محلی مبتکرانه و نیز همکاریهای حمایتی بین المللی است. به موجب این کنوانسیون هرگونه تلاش در جهت محافظت از زمینهای مناطق خشک در دراز مدت انجام خواهد گرفت چرا که عوامل دخیل در پیدایش این فرآیند، متعدد و در عین حال بسیار پیچیده می باشد و پهنه گسترده ای را در بر می گیرد که مسائلی نظیر الگوهای تجارت جهانی و روشهای ناپایدار مدیریت اراضی را در خود جای داده است. در این راستا تغییراتی بس شگرف و به معنای واقعی کلمه چه در سطح محلی و چه در سطح بین المللی می بایست صورت پذیرد.

برنامه های ملی

کشورهایی که کمابیش با مساله پیشروی بیابانها دست به گریبانند، در حال اجرای کنوانسیون از طریق توسعه و اجرای برنامه هایی در مقیاسات ملی، بین منطقه ای و منطقه ای می باشند. معیارهایی در خصوص تدارک و آماده سازی این برنامه ها در پیوست شماره پنج کنوانسیون پیرامون اجرای برنامه های منطقه ای به تفصیل ذکر گردیده است و آفریقا (که به دلیل شدیدتر بودن پیشروی بیابانها در درجه اول اهمیت قرار دارد)، آسیا، آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب، شمال دریای مدیترانه و قسمتهای مرکزی و شرقی اروپا را در برمی گیرد. براساس تجارب پیشین، ضرورت وجود حکومت مردم سالار و دموکراتیک در کنوانسیون مطرح شده است. این خود به مفهوم شرکت اقشار مردم در فعالیتهای مربوطه و ایجاد محیطی خود جوش در زمینه مشارکتهای مردمی می باشد بدین صورت که بومیان هر کدام از نواحی فوق الذکر این امکان را بیابند تا در محافظت زمین از فروسایبی سهیم شوند. البته شایان ذکر است که به موجب برنامه هایی از این دست مسئولیت از حکومتها سلب نمی گردد. برخی از تغییرات نظیر سیستمهای اجاره زمین، تقویت زنان، کشاورزان، چوپانها تنها از عهده دولتها ساخته است. در ضمن دولتها می بایست به موسسات غیر انتفاعی اجازه دهند در زمینه تدارک و آمادگی برنامه های اجرایی نقشی مهم را ایفا نمایند.

برخلاف تمامی تلاشهای گذشته، برنامه های اجرایی می بایست با سایر خط مشی های ملی در راستای توسعه پایدار هماهنگ و یکپارچه و با هرگونه تغییرات و شرایط محیطی سازگار باشد.

توافقنامه های شراکتی

برنامه های اجرایی کنوانسیون با شور و مشورت در بین کشورهای می باشد که به نوعی متاثر از مساله پیشروی بیابانها هستند، افراد خیر و سازمانهای بین دولتی و غیر دولتی صورت می گیرد. این روند باعث ارتقاء میزان هماهنگی و نیز توسعه شبکه ای از حمایتها و یاریها در جایی می شود که بیشترین تاثیر را خواهد گذارد. از دیگر مزایای چنین برنامه هایی بوجود آمدن توافقنامه های شراکتی خواهد بود که در آنها چه، میزان مشارکت کشورهای متاثر، چه میزان مشارکت کشور های امداد رسان و نیز مشارکت سازمانهای بین المللی لحاظ خواهد شد.

انتظار آن می رود که کشورهای توسعه یافته، سرمایه گذاری بنیادی برای برنامه های اجرایی را تقویت نموده میزان دسترسی به فناوریهای مناسب، دانش، و مهارتها را ارتقاء بخشند. نیاز به هماهنگی در بین موسسات و افراد امداد رسان و مؤسسات و افراد نیازمند بسیار مورد تاکید قرار گرفته است زیرا فعالیتهای گوناگون در هر برنامه نیازمند تکمیل و گسترش دو جانبه است.

توسعه پایدار

کنوانسیون فصل جدیدی را در بیابانزدایی و ستیز با آن می گشاید اما این تازه ابتدای راه است. کشورها به طور اخص در حال تجدید نظر و بررسی برنامه های اجرایی هستند. مضاف بر آن توجه دولتها به مسائلی نظیر رشد و افزایش آگاهی، افزایش میزان تحصیلات و برنامه های آموزشی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته معطوف است.

جهت پیشروی بیابانها تنها هنگامی معکوس می گردد که تغییرات شگرف در گرایشها و رفتار های محلی و بین المللی پدید آید. این تغییرات قدم به قدم ما را به بکار

گیری پایدار زمین و امنیت غذایی برای جمعیت در حال رشد جهان رهنمون می سازد.

به این ترتیب بیابانزدایی به معنای واقعی تنها بخشی از هدفی به مراتب عظیمتر است و آن عبارتست از توسعه پایدار کشورهای متأثر از خشکسالی و پیشروی بیابانها.

تجارب ایران در امر بیابانزدایی

فلات مرکزی ایران یکی از معروفترین مناطق خشک جهان محسوب می شود. این کشور با مساحت 165 میلیون کیلو مترمربع در جنوب غربی آسیا و در نوار خشک جهان قرار گرفته است. 80% از کل سرزمین ایران از آب و هوای خشک و نیمه خشک برخوردار است و به این ترتیب در معرض خطر فرآیند پیشروی بیابانها قرار دارد. میانگین سالانه ریزش باران در بیابانهای ایران کمتر از 50 میلیمتر می باشد این در حالیست که همین میزان در مورد کل کشور به 320 میلیمتر در سال بالغ می شود. بیابانها و مناطق بیابانی بر روی هم 34 میلیون هکتار از اراضی ایران را به خود اختصاص می دهند و 12 میلیون هکتار نیز ماسه ای بوده و یا از شن و ریگ روان پوشیده شده است.

علیرغم اینکه عوامل زیست محیطی، تغییرات آب و هوایی و کمبود بارش کافی نقشی به سزا در فرسایش زمین و پیشروی بیابانها دارند، در برخی از موارد فعالیتهای انسانی را نیز باید در زمره این گروه قرار داد. فرآیندهای فرسایشی زمین و پیشروی بیابانها در ایران در دهه های اخیر به دلیل عوامل ذیل تسریع گردیده است:

الف. جمعیت ایران در ظرف 20 سال گذشته دو برابر شده است. در همین راستا نیاز به محصولات کشاورزی و فرآورده های روستایی مردم را مجبور به استفاده از زمین نموده است تا بدون توجه به پتانسیل و میزان حاصلخیزی جنگلها و مراتع آنها را به زمینهای زراعی تبدیل نمایند.

ب. چرای بیش از حد دامها در مراتع و استفاده بی رویه از این مناطق بسیار شایع است.

پ. استفاده بی رویه از چوب درختان و گیاهان برای مصارف خانگی نظیر پخت و پز و سیستم حرارتی منازل به همراه استفا ده بی رویه از منابع آبی راه را بیشتر به سوی فرسایشی زمین فراهم می نماید.

ت. آوارگان به دلیل برطرف کردن نیازهای خود در زمینه های تامین سوخت، کشاورزی و پرورش گیاهان در فرسایشی حدود 1/2 میلیون هکتار از منابع طبیعی سهمیه بوده اند.

خط مشی ها و برنامه های دولت جمهوری اسلامی ایران در احیا و گسترش منابع طبیعی قابل بازیافت با توجه ویژه نسبت به کنترل پیشروی بیابانها به شرح ذیل می باشد:

1. بکارگیری رسانه های ارتباط جمعی و سایر رسانه ها به منظور افزایش آگاهی عموم پیرامون اهمیت منابع طبیعی قابل بازیافت و خطرات ناشی از پیشروی بیابانها.
2. تسریع روند توسعه اقتصادی - اجتماعی در مناطق روستایی به منظور جلوگیری از مهاجرت کشاورزان و دامداران به شهرهای بزرگ و مراکز شهری.
3. حفاظت از محیط زیست و برقراری ثبات در آن.
4. احیا و بازیافت زمینهای فرسایشی شده.
5. توسعه صنعتی با بکارگیری فناوری سازگار با محیط زیست.
6. سیاستهای فعال در زمینه جمعیت شناختی که موجب کاهش میزان آهنگ رشد از 3/17% به 2/7% گردیده است.
7. تثبیت ریگهای روان به منظور کاهش تاثیرات منفی بر زمینهای زراعی، مناطق مسکونی، مناطق سوق الجیشی، جاده ها و سایر تاسیسات زیر بنایی که از نظر اقتصادی ارزشمند تلقی می شوند.
8. تشویق مشارکتهای مردمی در مراحل تصمیم گیری و اجرای برنامه های مربوطه.

حرکت شنهای روان به منزله نوعی از پیشروی بیابانها تلقی می شود که خطری بزرگ را متوجه ایران می نماید. خسارات ناشی از پیشروی ریگهای روان هر ساله رو به تزايد گذارده است. نخستین اقدام جدی در زمینه کنترل ریگهای روان در سال 1965 میلادی (برابر با سال 1344 هجری شمسی) در مورد 100 هکتار از اراضی به مورد اجرا گذارده شد. امروزه چنین تلاشهایی آنقدر به لحاظ دامنه و ابعاد توسعه یافته است که پروژه های تثبیت ریگهای روان و برنامه های بیابانزدایی سالانه حدود یک میلیون هکتار از اراضی را در بر می گیرد.

اقدامات مبتکرانه در خصوص تثبیت شنها و ریگهای روان شامل مراحل و روشهای بیولوژیکی، مکانیکی و شیمیایی است و فعالیتهای نظیر کاشت نهال، بذر افشانی محصور سازی اراضی و استفاده از نفت خام به منظور محافظت از ریشه های گیاهان را در بر میگیرد. تاکنون بیش از 4 میلیون هکتار از مناطق بیابانی و بایر ایران احیا شده اند. در این ارتباط یکی از عمده ترین این تلاشها برنامه اجرایی ملی است که در سال 1992 آغاز گردید. دست اندرکاران این برنامه در نظر دارند تثبیت ریگهای روان و بیابانزدایی 10 میلیون هکتار از اراضی فرسایشی شده را عملی سازند. فعالیتهای ایرانیان در مدت 28 سال در زمینه تثبیت شن و ریگ روان و بیابانزدایی مجموعه ارزشمندی از تجارب و تخصصهای تکنیکی را به دست می دهد.

بیابانزدایی مساله ای جهانی بوده و تنها به مناطق جغرافیایی خاص محدود نمی باشد. در عین حال جمهوری اسلامی ایران فعالانه با کشورهای متأثر از این فرآیند و آژانسهای علاقمند به همکاریهای دو جانبه، همکاری نموده است. این خود نشان دهنده تعهدات ایران در زمینه های مذکور و نیز در زمینه ائتلاف جهانی علیه فرسایشی زیست محیطی بالاخص بیابانزدایی می باشد.

برخی از فعالیتهای بین المللی در این زمینه که توسط جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است شامل برگزاری کنفرانسهای بین المللی، میزبانی جلسات منطقه ای در راستای همکاری با اسکاپ (ESCAP)، برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP)، فائو (سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (FAO)، همکاری سه جانبه (ایران، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) و صندوق بین المللی توسعه کشاورزی (IFAD) به منظور احیای مناطق بیابانی شده از طریق اسکان آوارگان افغانی می باشد.

در خاتمه شایان ذکر است، برنامه ریزی به منظور تاسیس اداره پروژه ها در خصوص کنترل پیشروی بیابانها با حمایت مالی اسکاپ و برنامه محیط زیست در جمهوری اسلامی ایران در مراحل پایانی می باشد.

همانگونه که پیشتر نیز مطرح گردید تلاشهای دراز مدت در جهت کنترل پیشروی بیابانها، و نیز تثبیت شن و ریگ روان تجارب و تخصصهای ارزشمندی را عاید ایران ساخته است که ما مایلیم آنها را در اختیار کشورهای که دارای شرایط مشابه هستند قرار دهیم. در مقابل ما نیز به بعد جهانی این تلاشها واقفیم و درصدد همکاریهای متمر ثر با دولتها، سازمانها و موسساتی هستیم که در زمینه کنترل پیشروی بیابانها و تثبیت شن و ریگ روان بتوانند موجب غنای تجارب و تخصصهای مربوطه شوند.

**تبدیل نظام پادشاهی افغانستان به جمهوری با کودتای داود خان در سال 1973 میلادی**

در سال 1929م با توطئه انگلیسی ها، محمد نادر خان که دست نشانده آنان بود روی کار آمد اما با ترور وی در سال 1932م، فرزند او ظاهر خان با نام محمد ظاهر شاه جانشین او گردید.

در 17 ژوئن 1973 هنگامی که شاه سرگرم دیدار از اروپا بود قانون اساسی ملغی و نظام پادشاهی در يك کودتای نظامی به رهبری داوود و با کمک جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق افغانستان منسوخ شد و خود داوود زمام امور را بدست گرفت و با اینکار بساط دیر پای سلطنت در افغانستان، با کودتایی آرام به نظام جمهوری تبدیل شد.